

# وقف‌پشتوانه نهاد های علمی و آموزشی

اصفهان عصر صفوی\*

محمد حسین ریاحی

املاک و اراضی و خانه‌ها و سایر مایملک او از وقف خارج  
نماند؛ وی گفته است:

جمع اشیا سرکار من و آنچه اطلاق مالکیت  
بر آن توان کرد، حتی این دو انگشتری که در دست  
دارم، وقف است، لیکن مشروط بر آن است که به  
هر مصرفی که رای صواب نمای اشرف که متولی  
آنهاست، اقتضا نماید.<sup>۱</sup>

اگرچه شاه عباس به گفته خود، همه اموال و  
دارایی‌های خود را وقف نموده و بدین ترتیب بناهای  
بسیاری در اصفهان و سایر شهرهای ایران به وجود آمده  
است که برخی از این ابنیه و آثار هنوز برجای مانده و  
بسیاری از آنها نیز با گذشت زمان و بر اثر مصایب و  
سوانح از بین رفته است، لیکن در سرتاسر حیات این  
سلسله، مساجد، مدارس و بسیاری از اماکن عام‌المنفعه  
پشتوانه‌های بسیاری داشته است که در بیان نکات مزبور  
به مدارس و نهادهای آموزشی آن دوره به پاره‌ای از این  
وقفیات اشاره خواهیم کرد. از جمله این نهادهای آموزشی  
می‌توان از مدارسی مانند چهارباغ (امام صادق

در عهد صفویه با توجه به ایجاد تأسیسات متعدد  
آموزشی-عبادی، موقوفات بسیاری به عنوان پشتوانه  
مادی این مؤسسات منظور گردیده است. به شهادت  
کتاب‌های معتبری چون عالم‌آرای عباسی، قصص  
خاقانی و خلد برین، این موقوفات در دوران صفویه ارزش  
مادی بسیاری داشته و عواید آن مبالغ شگفت‌آوری را  
شامل می‌شده است. وقف نامه موقوفات سلطنتی را شیخ  
بهاء‌الدین عاملی در زمان شاه عباس اول نوشته است و  
رسیدگی به کار اوقاف را اشخاصی مانند میر محمدباقر  
داماد، ملا محسن فیض کاشانی، ملا عبدالله شوشتری،  
شیخ لطف‌الله میسی عاملی و میرزا رضی، وزیر شاه  
عباس، عهده‌دار بوده‌اند.<sup>۱</sup> اهمیت وقف در عصر صفویه  
بویژه در زمان شاه عباس اول به نحوی بوده است که شاه  
به اعتمادالسلطنه حاتم‌بیک و میرزا رضی صدر در اصفهان  
دستور داده بود که چهارده مَهر به نام چهارده معصوم تهیه  
کنند و آن مَهرها را به میرزا رضی صدر وزیر خود سپرد تا  
کلیه داد و ستدهای اوقافی با آن مَهرها مهور شود و آن  
پادشاه صفوی مخصوصاً اصرار داشت که هیچ یک از

\* مطلب حاضر، برگرفته از  
آموزش‌ها و نهادهای آموزشی  
اصفهان عهد صفوی، اثر  
نگارنده مقاله است. تألیف  
مذکور در ده بخش تدوین شده  
و در تابستان ۱۳۷۳ هـ ش به  
پایان رسیده است. بخش  
هشتم آن اختصاص دارد به  
موضوع وقف و پشتوانه‌های  
مالی در نهادهای آموزشی و  
مؤسسات علمی و فرهنگی  
اصفهان عصر صفوی. امید  
می‌رود این تحقیق با اضافات  
و الحاقات لازم به چاپ  
برسد.

۱. تاریخچه اوقاف اصفهان،

ص ب.

۲. عالم‌آرای عباسی، ج ۲،

ص ۷۶۱.



در حدود یکصد موقوفه قابل ملاحظه وجود دارد، و این بجز موقوفات جزئی و متفرقه است.<sup>۳</sup>

ژان-باتیست تاورنیه (Tavernier) نیز که در همین زمان از اصفهان دیدن کرده است، تأمین بخش عمده مایحتاج مدارس و طلاب آن را بسته به میزان وقفیات آن نهادهای آموزشی دانسته و در این مورد به تأمین معیشت و برخی لوازم حجره‌های مدارس از قبیل فرش و رخت خواب از این طریق اشاره کرده است.<sup>۴</sup> ژان شاردن (Chardin) هم که در دوران شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ هـ.ق) به اصفهان آمده است، در باب ساختن مدارس و قرار دادن املاک و اموالی به عنوان وقف جهت مدارس، نوشته است:

هر مدرسه‌ای که بنا می‌شود، مواردی از املاک و مستغلات را وقف آن می‌نمایند و خود بنیان مدارس معمولاً حافظان و متصدیان عایدات موقوفات آن هم به شمار می‌روند که معمولاً ایرانیان به آنها «متولی» می‌گویند.<sup>۵</sup>

وی متولی وقف را دارای اختیاراتی از جمله تعیین مدیر، اساتید و همچنین یکی از متصدیان عمده پذیرش و قبول طالبان علم در مدرسه دانسته است.

در اواخر دوران صفویه و عصر حکومت شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ هـ.ق)، کلیه اراضی و املاکی که شرعاً ممکن بود وقف شود، جزو موقوفات قرار گرفته بود، و این باعث شد که جهت پشتوانه مالی برای مدارس و مساجد اصفهان حتی در شهرهای دیگر، مانند کاشان و یزد و ... زمین و یا سایر مستغلات را خریداری کنند و آنها را جزو موقوفات آن اماکن قرار دهند که تاکنون نیز در آن حدود موقوفاتی به نام مساجد و مدارس صفویه موجود است.<sup>۶</sup> لیکن تهاجم افغان و سیطره آنان بر مرکز دولت صفوی وضع را دگرگون ساخت، مفتی گروه مهاجم، یعنی ملا زعفران و سایر علمای افغان، مردم اصفهان را رافضی و مشرک خواندند و این شهر را مفتوح‌العنوه قلمداد کردند.<sup>۷</sup> جماعت یاغی افغان تا هرکجا که می‌توانستند و فرصت داشتند، املاک و اراضی وقف را جزو خالصه و تحت تصرف خود درآوردند و طومارها و وقف‌نامه‌ها را از بین بردند، بسیاری از آن املاک را نیز به اراضی موات تبدیل نموده و قنات‌ها را پرکردند و سایر آثار دیگر، اعم از دکان‌ها، کاروانسراها و سایر مستغلات را خراب کردند؛ در حقیقت آنچه در عصر صفوی بخصوص از زمان شاه عباس اول تا آن زمان به عنوان موقوفات و تشکیلات اوقاف براساس نظم و تدبیر حاصل شده بود، یکباره با هجوم افغانان (۱۱۳۵-۱۱۴۵ هـ.ق) و محاصره شهر و ویرانگری‌های این گروه مهاجم از هم گسیخته

علیه السلام)، کاسه گران، نیم آورد و غیره نام برد که میزان قابل توجهی از املاک و مستغلات وقفی، باعث رونق آنها و فراهم آمدن امکانات، چه برای محصل یا طلبه و یا مدرس و استاد شده است. در وقف‌نامه‌های این دوره مکرر به مواردی برخورد می‌کنیم که وقف‌کنندگان منتهای دقت خویش را به کار بسته‌اند تا از حیف و میل شدن عواید موقوفات و به مصرف صحیح نرسیدن آن جلوگیری کنند و بخصوص در اواخر وقف‌نامه با ذکر برخی آیات و روایات کوشیده‌اند موجبات تنبّه متولیان را فراهم سازند، و در بعضی از آنها مکرر توصیه کرده‌اند که بعد از واقف، تولیت با اصلاح اولاد اوست، مانند آنچه در کتیبه مدرسه ملا عبدالله در بازار اصفهان موجود است. در این وقف‌نامه‌ها رعایت حال طلاب و کمک‌های مادی و معنوی به آنها به شرط دارا بودن تقوا و داشتن فعالیت‌های علمی توصیه شده، و این موضوع حتی در کتیبه مدرسه شفیعیه در دشت آمده است، و نیز در پایان هر وقف‌نامه، فرد متجاوز را به لعنت خداوند و نفرین رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) تهدید کرده‌اند و مخصوصاً تأکید کرده و تذکر داده‌اند که موقوفات باید به همان مصارفی برسد که وقف‌کننده نیت آن را داشته و معین کرده است.

در تعدادی از سفرنامه‌های سیاحان اروپایی که در عصر صفوی به ایران آمده‌اند در مورد مدارس آن دوره بخصوص امور مربوط به پشتوانه‌های مالی وقفیات آن، مطالبی دیده می‌شود. کمپفر (Kaempfer) که در دوران شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ هـ.ق) در اصفهان به سومی برده با اشاره به رقابت بین شاه، دربار و رجال کشور در ساختن تأسیسات عام‌المنفعه و قرار دادن موقوفات برای آن، آورده است:

شناختن درست وضع دربار ایران بدون وقوف به تأسیساتی که قسمت قابل توجهی از عواید دربار صرف آنها می‌شود، یعنی مساجد، گرمابه‌ها، قنات، راه‌های عبور و مرور و پل‌ها و بیش از همه مدارس دینی و همچنین نمایندگان علوم و هنر امکان‌پذیر نیست. بدین ترتیب شاه با پیروی از نیاکان خود می‌خواهد پس از خود نام نیکی به یادگار بگذارد و بزرگان و اعیان نیز در گرفتن سرمشق از پادشاهان به چشم و هم‌چشمی با یکدیگر برمی‌خیزند و وسایل مادی لازم را برای تأسیس و نگاه‌داری انواع ساختمان‌ها و بویژه موقوفه‌های دینی در اختیار می‌گذارند، به این دلیل اغلب شهرهای ایران مملو است از مدارس دینی و موقوفات آنها؛ تنها در اصفهان که پایتخت است و شهری باشکوه و بزرگ به شمار می‌رود،

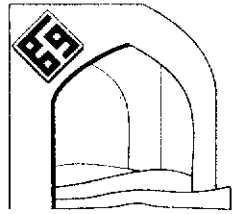
۳. سفرنامه کمپفر، ص ۱۴۰.

۴. سفرنامه تاورنیه، ص ۵۹۰.

۵. سیاحت‌نامه شاردن، ج ۵، ص ۴۵.

۶. تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۳۳۹.

۷. تاریخ اصفهان و ری، ص ۳۱۰.



شد<sup>۸</sup>، به طوری که نوشته اند:

در این زمان رقبات دفتری صفویه را که تشخیص قرار از دولتی و موقوفه ملی به درستی ربط می داد و در عمارت چهل ستون ثبت و ضبط بوده است، به وسیله افغان ها به رودخانه زاینده رود افکنده شد و بدین صورت، اسناد و آثار بسیاری که مربوط به اوقاف عصر صفوی بود از این طریق نابود شده است.<sup>۹</sup>

با آمدن نادرشاه افشار (۱۱۴۸-۱۱۶۰ هـ.ق) و غلبه او بر افغانه در سال ۱۱۴۵ هـ.ق، این طایفه از اصفهان و سایر بلاد ایران متواری و اخراج گردیدند، لیکن نادر با همه رشادت هایی که در ابتدای کار خود نشان داد در اواخر دچار جنون شد، و در این زمان برای موقوفات اصفهان بلیه ای تازه پیش آمد که آن هم بعد از حمله افغان لطمه دیگری بود که وضع املاک موقوفه مربوط به عصر صفویه را دگرگون ساخت، به طوری که استملاک موقوفات در اواخر دوره نادر بسیار معمول شده بود.<sup>۱۰</sup> این آشفتگی ها در وضع موقوفات عصر صفویه بعدها نیز ادامه داشته است؛ در مصایب و بلاهایی که بعداً دامنگیر اصفهان شد بخصوص قحطی معروف سال ۱۲۸۸ هـ.ق شهریک مرتبه از سکنه خالی گردید و هیچ سر و سامانی هم در امور اوقاف وجود نداشت. شواهد نشان می دهد که از ابتدا تا انتهای حکومت قاجاریه (۱۱۹۳-۱۳۴۴ هـ.ق) بسیاری از آثار تاریخی ارزشمند مربوط به صفویه در اصفهان نابود شده است، از این میان می توان از عمارت آینه خانه، هفت دست، نمکدان، کَشکول و کاخ های باغ سعادت آباد نام برد.<sup>۱۱</sup>

این ویرانگری آثار عهد صفوی و تصرف اراضی موقوفه بخصوص در دوران حاکمیت ظل السلطان (۱۲۹۱-۱۳۲۵ هـ.ق) آن طور بود که وقتی سیدجمال الدین اسدآبادی (۱۲۵۴-۱۳۱۴ هـ.ق) به این شهر وارد شد به او خیر رسید که ساختمان های تاریخی صفویه را خراب می کنند، وی از این موضوع بسیار متأثر شد و عاملین این کار را مورد مؤاخذه قرار داد.<sup>۱۲</sup> و در اواخر همین دوره مدارس بسیاری، بالغ بر بیست مدرسه از عهد صفویه، در اصفهان خراب شد که تنها چهارده مدرسه آن در محلات خواجه و عباس آباد واقع شده بود.<sup>۱۳</sup>

برای آشنایی با پاره ای از مسائل مربوط به وقف در مدارس اصفهان دوره صفوی به نکاتی درباره برخی از آنها اشاره می شود:

۱. مدرسه الماسیه: در گوشه جنوب شرقی میدان امام خمینی (نقش جهان) اصفهان، بازاری قرار دارد معروف به «بازار مقصودبیک» که به آن «چهارسو مقصود» هم

می گویند. این بازار که از جنوب شرق میدان آغاز می شود و تا بازار حسن آباد امتداد می یابد، به دست آقامقصود، یکی از خواجگان شاه عباس اول، بنا گردیده است. در انتهای چهارسوی مذکور، مدرسه ای به نام الماسیه وجود دارد که به وسیله حاجی الماس نامی، از غلامان دربار شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ هـ.ق) جهت آموزش علوم و معارف مذهب شیعه اثناعشری بنا گردیده است.<sup>۱۴</sup>

در تسمیه این مدرسه وجهی دیگر نیز ذکر کرده اند، و آن اینکه، چون مدرس آن، شیخ محمد تقی الماسی (متوفای ۱۱۵۹ هـ.ق) داماد مجلسی دوم بوده به این نام معروف گشته است.<sup>۱۵</sup>

وقف نامه ای از این مدرسه به تاریخ ۱۱۰۴ هـ.ق باقی مانده است؛ به طوری که مؤلف تاریخ انساب خاندان های ناین آورده است، مدرسه دارای وقفیاتی از جمله دکاکین بوده است. با این حال، میرزا هاشم کلباسی از علمای بزرگ اصفهان در اواخر دوره قاجاریه از عواید حمام جارچی، پول روشنایی طلاب مدرسه الماسیه را می داده است.<sup>۱۶</sup> در حال حاضر تنها، قسمتی از مدرسه سابق باقی مانده که مربوط به تعمیراتی است که در سال ۱۳۶۰ هـ.ق انجام شده است. این مکان فعلاً محل رفت و آمد کاسبان محل و مغازه داران بازارچه چهارسو مقصود برای طهارت و انجام فریضة نماز است. البته دو تا سه حجره مخصوص اهل علم و طلاب نیز در آن وجود دارد که گاهی مورد استفاده قرار می گیرد.

۲. مدرسه جدّه بزرگ: این مدرسه در بازار بزرگ اصفهان واقع شده است. در این بازار دو مدرسه طلبه نشین از زمان شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ هـ.ق) وجود دارد که یکی از آنها را مدرسه جدّه بزرگ و دیگری را مدرسه جدّه کوچک می نامند. این دو مدرسه از لحاظ وسعت یکسان نیستند. مدرسه ای را که از حیث وسعت بزرگ تر است، جدّه کوچک شاه بنا نموده، اما امروز اطلاق کلمه بزرگ و کوچک از طرف عموم مردم بر حسب وسعت بناست؛ به این ترتیب که مدرسه بزرگ تر را مدرسه جدّه بزرگ و مدرسه کوچک تر را مدرسه جدّه کوچک می نامند.<sup>۱۷</sup>

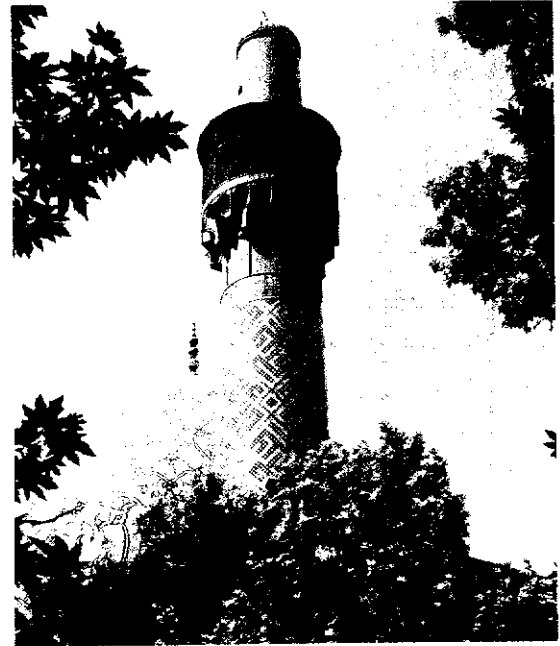
در دوران صفوی این نهاد آموزشی مورد توجه علما و دانشمندان، و محل تعلیم و تبلم و آموزش علوم شیعی بخصوص فقه و اصول بوده است؛ به طوری که میرزاظاهر نصرآبادی (متوفای ۱۱۰۰ هـ.ق) از آقا حسین خوانساری نام برده که در این مدرسه به درجات عالی علمی رسیده و در مورد او نوشته است:

در اوان شباب جهت تحصیل به اصفهان، که صدف گوهر فضلا می باشد، آمده و در اندک زمانی

۸. تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۳۳۹.
۹. تاریخ اصفهان و ری، ص ۳۵ و ۳۸.
۱۰. مرحوم محمد حسن خان جابری انصاری در کتاب تاریخ اصفهان و ری، ص ۳۶-۴۰، مواردی در این باب نقل کرده است.
۱۱. آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، ص ۶.
۱۲. سیدجمال، پایه گذار نهضت های اسلامی، ص ۲۹.
۱۳. تاریخ اصفهان و ری، ص ۲۹۷.
۱۴. نشریه اوقاف اصفهان، ش ۱، ص ۱۱۳.
۱۵. تاریخ فرهنگ اصفهان، ص ۱۱۰.
۱۶. آثار ملی اصفهان، ص ۴۶.
۱۷. گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۵۵۳.



نمای داخلی مدرسه جده کوچک در بازار قهوه کاشیها



گنبد و مناره مدرسه چهارباغ

۴. موقوفات مدرسه چهارباغ و موضوعات وقف نامه آن: مدرسه چهارباغ دارای موقوفات زیادی بوده است که پس از استیلای افغان بر اصفهان و ظهور نادر، چگونگی بسیاری از آن موقوفات نامعلوم مانده است.<sup>۱۸</sup> و قفایاتی که در عصر سلطان حسین بر این مدرسه قرار داده شده بود، بسیار زیاد بوده است، به طوری که شامل تمامیت برخی از روستاها، مزارع، باغ ها، املاک، دکاکین، کاروانسراها و سایر مستغلات می شده است. در گوشه و کنار اصفهان و مناطق اطراف آن و حتی نواحی دیگری مانند قم، کاشان، چهارمحال و کهگیلویه و ... کم و بیش و قفایاتی به نام این مدرسه وجود داشته است که عواید آنها صرف بازسازی مدرسه و تأسیسات آن و امور مربوط به طلاب و مدرسان این نهاد آموزشی می شده است. متأسفانه نسخه اصلی وقف نامه در دسترس نیست و تنها رونوشتی منسوب به این وقف نامه نزد آقای مصطفی سیدالعراقین، متولی مدرسه در نیم قرن پیش، موجود بوده است.<sup>۲۱</sup>

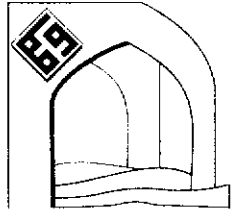
غیر از کاروانسرای مادر شاه که در حال حاضر «مهمانسرای بزرگ عباسی» است و نیز بازارچه بلند که هر دو از جانب مادر شاه سلطان حسین صفوی وقف مدرسه بوده است، برخی از موقوفات دیگر این مدرسه هنوز باقی است که خرج مدرسه می شود که از آن جمله می توان از مزرعه باغ ملک در چهار محال و مزرعه ای در احمدآباد کاشان نام برد.<sup>۲۲</sup>

از میان مواردی که در رونوشت وقف نامه مدرسه

به موجب فطرت عالی و درخشش استعداد، گوی سبقت را از اقران بلکه از فحول علمای سلف ربود، و حال در اصفهان تشریف دارند و تدریس و تولیت مدرسه جده صاحب قرانی شاه عباس ثانی با ایشان است و عمده فضلا در حاشیه درس آن قبله عرفا حاضر شده و استفاده می نمایند.<sup>۱۸</sup>

۳. مدرسه جده کوچک: این مدرسه در قسمتی از بازار بزرگ اصفهان موسوم به قهوه کاشی ها واقع شده است. سنگ مرمری به خط ثلث سفید بر دیوار یکی از غرفه های شمالی این مدرسه نصب شده است که حاوی تاریخ اتمام این نهاد آموزشی به سال ۱۰۵۷ هـ ق است. این مدرسه نیز در دوره شاه عباس دوم و به واسطه دلارام خانم، جده یا مادر بزرگ شاه، ساخته شده است.<sup>۱۹</sup> مدرسه جده کوچک دارای دو طبقه است. این نهاد آموزشی سی و پنج حجره دارد که شانزده حجره در طبقه همکف و نوزده حجره آن در طبقه فوقانی قرار دارد. کتیبه سردر مدرسه و پشت و بغل های اطراف عمارت دو طبقه آن تزیینات کاشی کاری دارد که به خط ثلث سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ به قلم محمد رضا امامی و به تاریخ ۱۰۵۶ هـ ق است. در کتیبه سردر مدرسه بجز تجلیل از شاه عباس دوم و ذکر نام بانی، به وقف این مدرسه جهت طلاب شیعه اثناعشری اشاره شده است. این مدرسه موقوفاتی هم دارد که از جمله آنها سه دانگ از یک باب سرای تجاری و سی و سه باب دکان واقع در بازار اصفهان است.<sup>۲۰</sup>

۱۸. تذکره نصرآبادی، ص ۱۵۲.  
 ۱۹. آثار ملی اصفهان، ص ۴۴۳؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۵۵۵.  
 ۲۰. تاریخ ناین، ص ۱۲۲.  
 ۲۱. تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۱۱۹.  
 ۲۲. رك: ضمیمه شماره ۱.  
 ۲۳. تاریخ فرهنگ اصفهان، ص ۱۳۶.



بسم الله الرحمن الرحیم  
مدرسه چهارباغ به چشم می خورد، یکی در باب وظایف مدرسان و طلاب مدرسه است، از جمله اینکه طلاب مدرسه باید به علوم شرعی مانند احادیث اهل بیت (ع)، تفسیر، فقه و اصول و همچنین فراگیری مقدمات آن مانند صرف و نحو اشتغال داشته باشند و نیز هر یک از طلاب باید به قدر متعارف و معهود به این درس ها مشغول باشند و حداقل یک درس طلاب باید یکی از کتاب های مشهور احادیث اهل بیت، علیهم السلام، باشد<sup>۲۴</sup>. همچنین با توجه به مخالفت با برخی از علوم عقلی در سالهای انحطاط عصر صفوی در حوزه های علمیه و مدارس آن زمان، در وقف نامه این نهاد آموزشی هم این نکته تصریح شده

شیخ لیاقت علی خانی  
مدرسه چهارباغ  
تدریس اهل طایف  
مناجبات

قسمتی از رونوشت وقف نامه مدرسه چهارباغ

است؛ در قسمتی از این وقف نامه آمده است که طلاب باید از مباحثه درباره کتاب های حکمت و آثار مربوط به تصوف در مدرسه احتراز نمایند<sup>۲۵</sup>.  
بجز رونوشت وقف نامه مدرسه چهارباغ، تنها منبع مربوط به وقفیات این مدرسه همان کتاب وقایع السنین و الأعوام است که در اشاره به مسائل مربوط به سال ۱۱۲۳ هـ ق از برخی موقوفاتی که جهت مدرسه به وسیله سلطان حسین قراهم آمده بود، آورده است:  
سلطان حسین قریه مهیار را بر مدرسه جدید سلطانی وقف نمود و این زمانی بود که شاه از طریق شرعی مالک آن قریه گردید و نیز در همین

چهارباغ به چشم می خورد، یکی در باب وظایف مدرسان و طلاب مدرسه است، از جمله اینکه طلاب مدرسه باید به علوم شرعی مانند احادیث اهل بیت (ع)، تفسیر، فقه و اصول و همچنین فراگیری مقدمات آن مانند صرف و نحو اشتغال داشته باشند و نیز هر یک از طلاب باید به قدر متعارف و معهود به این درس ها مشغول باشند و حداقل یک درس طلاب باید یکی از کتاب های مشهور احادیث اهل بیت، علیهم السلام، باشد<sup>۲۴</sup>. همچنین با توجه به مخالفت با برخی از علوم عقلی در سالهای انحطاط عصر صفوی در حوزه های علمیه و مدارس آن زمان، در وقف نامه این نهاد آموزشی هم این نکته تصریح شده

۲۴. تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۱۴۴.  
۲۵. تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۱۴۴.



۵. مدرسه شفیعیه در دشت: از جمله مدارس عهد صفوی، مدرسه شفیعیه است که در محله کهن سال در دشت واقع شده است. این نهاد آموزشی به همت محمد شفیع بن جمال‌الدین محمد خوزانی و در دوره شاه عباس دوم به سال ۱۰۶۷ هـ.ق برای طلاب علوم دینی بنا گردیده است. به علت شباهت زیادی که قسمتی از ساختمان مدرسه به مسجد دارد، به نام «مسجد شفیعیه» نیز مشهور است.<sup>۲۹</sup>

در راهرو ایوان بزرگ جنوبی مدرسه، دو لوح بزرگ سنگی بر دیوارهای دو طرف ایوان نصب شده است که در آن فهرست رقبات موقوفات این مدرسه نقش گردیده است؛ ولی در حال حاضر نیمی از نوشته‌های هر یک از این لوح‌های از بین رفته است. با از میان رفتن قسمتی از لوح‌ها، صورت بیشتر موقوفات نیز از این لوح‌ها سترده شده است و در واقع سابقاً که اوقاف سر و صورتی داشته است، آژمندان برای تصرف مقداری از رقبات موقوفه به این عمل زشت مبادرت کرده‌اند.<sup>۳۰</sup>

۶. مدرسه کاسه گران (حکیمیه): مدرسه مذکور در بازار بزرگ اصفهان در قسمتی از این بازار موسوم به «بازار ریسمان»، در نزدیکی مسجد جامع شهر، قرار دارد. این مدرسه به دست امیر محمد مهدی معروف به حکیم الملک اردستانی ساخته شده و بنای آن در آخرین سال سلطنت شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ هـ.ق) به

تاریخ قریه‌های مور و ملک، سررود و نعیم آباد و غیر از آن هم خرید و بر مدرسه وقف نموده است. قریه دیگری به نام طهرانچی را شاه از ورثه شخصی به نام لاله بیک به ۴۴۰ تومان خریده و وقف مدرسه نموده است.<sup>۲۶</sup>

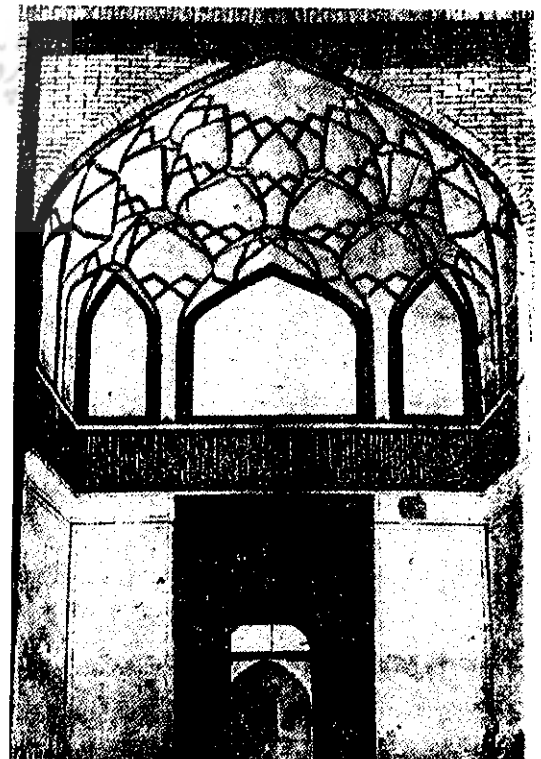
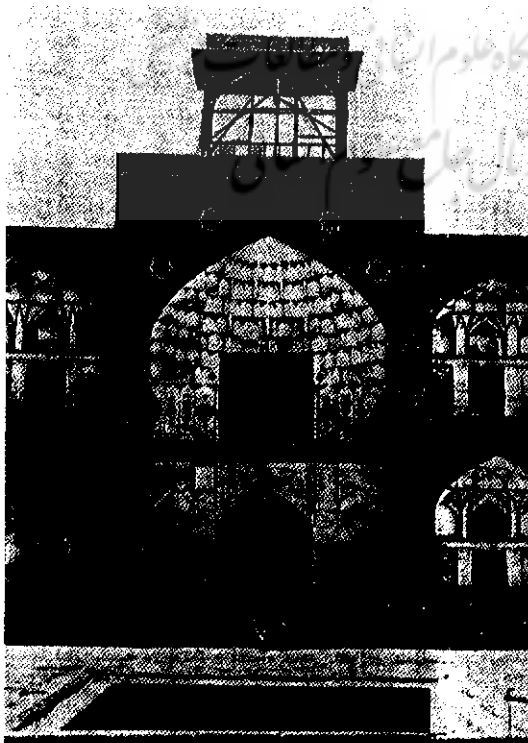
با عنایت به این مطالب و نیز میزان وقفیات و عواید آن و همچنین نظارت شخص شاه و حضور مستمر وی در این مدرسه و عزل و نصب متصدیان و مدرّسان این نهاد آموزشی از ناحیه او، به فراوانی امکانات این مدرسه به عنوان یک نهاد آموزشی در اواخر عصر صفوی می‌توان پی برد، به طوری که نوشته‌اند:

اهل مدرسه را تنعم بسیار بوده و نفوذ کلمه آنان بی‌قیاس و از جهت مادی هیچ‌گونه مشکلی نداشته‌اند، به گونه‌ای که آشپزخانه مدرسه از جهت تأمین مایحتاج خوراک طلاب و مدرسین در زمان شاه صفوی همواره برقرار بوده است.<sup>۲۷</sup>

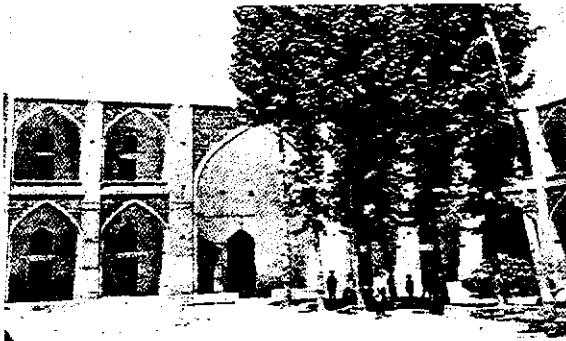
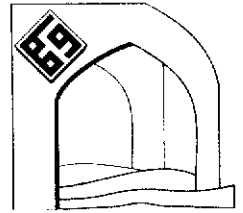
هر چند که باید گفت این یک استثنا بوده و چه بسا در همین مدارس علوم دینی عصر صفوی و در این شهر، یعنی اصفهان، طلاب بسیاری از نظر معیشت در تنگنا و سختی بوده‌اند؛ برای نمونه با مراجعه به احوال برخی از طلاب علوم دینی عصر صفوی مانند سید نعمت‌الله جزایری (متوفای ۱۱۱۲ هـ.ق) می‌توان به این موضوع پی برد.<sup>۲۸</sup>

نمای داخلی ضلع جنوبی مدرسه کاسه گران (مدرسه حکیمیه)

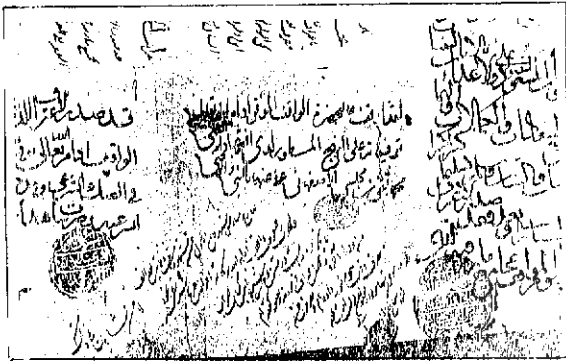
سر در مدرسه شفیعیه در محله باب‌الدشت



۲۶. وقایع السنین و الأعوام، ص ۵۶۳.  
 ۲۷. تاریخ اصفهان و ری، ص ۳۰۱.  
 ۲۸. قصص العلماء، ص ۴۳۶.  
 ۲۹. نشریه اوقاف اصفهان، ش ۱، ص ۹۵.  
 ۳۰. آثار ملی اصفهان، ص ۲۷۵.



نمای قسمتی از صحن مدرسه ملا عبدالله از دوره شاه عباس اول



خط و مهر مرحوم محمدتقی مجلسی در حاشیه وقف نامه مدرسه نوریه

اتمام رسیده است<sup>۳۱</sup>. بنا به نوشته مؤلف تاریخ اردستان، حکیم الملک از سادات حسنی اردستان بوده است<sup>۳۲</sup>.

جابری راجع به حکیم الملک اردستانی و همسرش و بنای دو مدرسه کاسه گران و نیم آورد، آورده است:

حکیم الملک در هند مطبی نزدیک قسصر اورنگ زیب، پادشاه هندوستان، گرفته بود و اتفاقاً دختر شاه مریض شد؛ اطبای هند از معالجه او عاجز می شوند تا اینکه حکیم الملک موفق به معالجه او می گردد و پادشاه هند به خاطر قدردانی از حکیم الملک، جواهر بسیاری به او می بخشد. حکیم الملک در مراجعت به اصفهان این مدرسه را بنا نهاده است<sup>۳۳</sup>.

این مدرسه، وقفیات بسیاری داشته است که شامل املاک، باغ ها، مزارع و زمین های ساده ای بوده است که در اصفهان و نواحی اطراف آن مانند اردستان قرار داشته؛ از جمله آنها تعدادی از دکان های اطراف مسجد جامع اصفهان بوده است که هنوز هم جزو موقوفات مربوط به این مدرسه به شمار می رود<sup>۳۴</sup>. مدرسه کاسه گران اکنون نیز طلبه نشین است.

۷. مدرسه ملا عبدالله شوشتری: مدرسه ملا عبدالله در طرف شرق قیصریه واقع در میدان امام خمینی (نقش جهان) مقابل بازار قنادها و در ابتدای بازار بزرگ شهر اصفهان در زیر چهارسویی واقع شده است. این مدرسه از جمله نهادهای آموزشی مهم زمان صفویه بوده که در زمان شاه عباس اول ساخته شده است. آندره گدار (A. Godard) از قول شاردن آن را بزرگ ترین و غنی ترین مدرسه اصفهان در زمان صفویه دانسته است<sup>۳۵</sup>. به طوری که عبدالله افندی در ریاض العلماء نقلی کرده این ملا عبدالله غیر از آن ملا عبدالله شوشتری مقتول در بخارا است<sup>۳۶</sup>. براساس تذکرها و تواریخ مربوط به عصر صفوی و زمان شاه عباس اول، آنکه در بخارا شهید شده، مولانا عبدالله است، و مدرس مدرسه مزبور در اصفهان ملا عبدالله شوشتری نام دارد.

وفات ملا عبدالله در سال ۱۰۲۱ هـ ق رخ داده، و بعد از او تولیت مدرسه به فرزند او، یعنی ملا حسن علی، واگذار شده، به گونه ای که می گویند: شاه عباس مدرسه را به این شرط وقف کرده است که تدریس آن تعلق به اولاد ملا عبدالله شوشتری داشته باشد<sup>۳۷</sup>؛ با این حال در زمان صدارت خلیفه سلطان به مناسبتی از وی منتزع و به ملا محمد باقر سبزواری محول گردید و مدت ها نیز تولیت آنجا در خاندان شیخ الاسلام سبزواری باقی بوده است<sup>۳۸</sup>. این مدرسه از ابتدای تأسیس تا به حال متعلق به آموزش طلاب شیعه امامیه بوده است.

۸. مدرسه میرزا حسین: این نهاد آموزشی اگرچه از نظر مساحت و زیر بنا کوچک است، اما از بناهای زیبا و مجللی است که در عصر شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ هـ ق) در اصفهان ایجاد شده و در بازار محله بیدآباد و در مجاورت مسجد سید واقع شده است. با استنباط از مندرجات وقف نامه این مدرسه، بانی و واقف آن زنی بوده است به نام عزت نسا خانم، دختر میرزا خانان، تاجر قمی، که شوهر خود را میرزا مهدی معرفی نموده است. تولیت مدرسه ابتدا به عهده آقا حسین خوانساری (متوفای ۱۰۹۹ هـ ق) بوده است که در هنگام ساختمان مدرسه در گذشته و امر تولیت آن به پسرش، آقا جمال الدین محمد (متوفای ۱۱۲۵ هـ ق)، رسیده است. میرزا حسین ظاهراً از اولاد یا احفاد میرزا مهدی و عزت نسا خانم بوده است که پس از فتنه افغان، متصدی تعمیر مدرسه و ساکن نمودن طلاب در آن می گردد و به این صورت نهاد آموزشی مذکور کم کم به نام او شهرت یافته است<sup>۳۹</sup>.

۹. مدرسه نوریه: مدرسه نوریه در بازار بزرگ اصفهان، در آن قسمتی که به بازار عربان معروف است، در نزدیکی مسجد جامع اصفهان، تقریباً محاذی با بازار ریسمان واقع شده است. این مدرسه را خواجه جلال الدین جابر ساخته است، لیکن چون میرزا نورالدین محمد

۳۱. گنجینه آثار اصفهان، ص ۶۵۲.  
۳۲. تاریخ اردستان، ج ۱، ص ۶۴.  
۳۳. تاریخ اصفهان و ری، ص ۳۰۶.  
۳۴. آثار ملی اصفهان، ص ۴۹۰.  
۳۵. آثار ایران، ج ۴، ص ۳۰۲.  
۳۶. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۱۹۵.  
۳۷. علامه مجلسی، بزرگ مرد علم و دین، ص ۸۳.  
۳۸. همان.  
۳۹. بخشی از گنجینه آثار ملی، ص ۱۲۳.



منابع و مآخذ

۱. آثار ایران، آندره گدار و یدنا گدار و ماکسیم سیرو، آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سروقدم، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ هـ.ش، ج ۴.
۲. آثار ملی اصفهان، ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲ هـ.ش.
۳. آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، لطف‌الله هنرفر، اصفهان، گلها، ج ۲، ۱۳۷۲ هـ.ش.
۴. بخشی از گنجینه آثار ملی، عباس بهشتیان، تهران، جیل‌المتین، ج ۱، ۱۳۴۳ هـ.ش.
۵. تاریخ اردستان، ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی، تهران، دهخدا، ج ۲، ۱۳۶۷ هـ.ش، بخش اول.
۶. تاریخ اصفهان و ری، حسن جابری انصاری، تهران، عمادزاده، ۱۳۶۱ هـ.ش.
۷. تاریخچه اوقاف اصفهان، عبدالحسین سبستا، اوقاف اصفهان، ۱۳۴۶ هـ.ش.
۸. تاریخ فرهنگ اصفهان، مجتبی ایمانیه، دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۵ هـ.ش.
۹. تاریخ نایین (تاریخ انساب خاندان‌های نایین)، عبدالحجت بلاغی، تهران، سپهر، ۱۳۶۹ هـ.ش.
۱۰. تذکره نصرآبادی، طاهر نصرآبادی، تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران، فروغی، بی تا.
۱۱. ریاض‌العلماء، میرزا عبدالله افندی، تحقیق احمد حسینی، قم، کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۱ هـ.ق (۶ جلد).
۱۲. سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری و حمید شیرانی، تهران، سنایی (اصفهان، تأیید)، ج ۳، ۱۳۶۳ هـ.ش.
۱۳. سفرنامه شاردن (قسمت اصفهان)، ترجمه حسین عریضی، تهران، نگاه، ج ۲، ۱۳۶۲ هـ.ش.
۱۴. سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکوس جهاننداری، تهران، خوارزمی، ج ۲، ۱۳۷۰ هـ.ش.
۱۵. سیاحت‌نامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۸ هـ.ش، ج ۵.
۱۶. سید جمال‌الدین پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی، صدر وافی، تهران، پیام، ج ۲، ۱۳۵۵ هـ.ش.
۱۷. اسکندربیک ترکمان، عالم‌آرای عباسی، تهران، امیرکبیر، ج ۲، ۱۳۵۰ هـ.ش.
۱۸. علامه مجلسی، بزرگ‌مرد علم و دین، علی دوانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰ هـ.ش.
۱۹. قصص‌العلماء، میرزا محمد تنکابنی، تهران، اسلامیه، ج ۲، ۱۳۶۴ هـ.ش.
۲۰. گنجینه آثار تاریخی اصفهان، لطف‌الله هنرفر، اصفهان، نقفی، ج ۲، ۱۳۵۰ هـ.ش.
۲۱. نشریه اوقاف اصفهان، شماره ۱، اداره اوقاف اصفهان، ۱۳۴۶ هـ.ش.
۲۲. وقایع‌السنین والأعوام، عبدالحسین خاتون‌آبادی، تصحیح محمد باقر بهبودی، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۲ هـ.ش.



۴۰. تاریخ نایین، ص ۱۲۴.
۴۱. رلك: ضمیمه شماره ۲.
۴۲. سفرنامه شاردن (قسمت اصفهان)، ص ۲۱.
۴۳. گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۶۷۹.
۴۴. تاریخ اصفهان و ری، ص ۳۰۷.
۴۵. آثار ملی اصفهان، ص ۵۰۴.
۴۶. همان، ص ۵۰۶.

جابر انصاری آن را تجدید عمارت نموده و وقف‌نامه آن را تازه کرده است، از این رو به «مدرسه نوریه» شهرت یافته است.<sup>۲۰</sup>

میزان موقوفات مدرسه نوریه، که در وقف‌نامه آن هم ذکر شده، بسیار و قابل توجه است، و آنها عبارتند از مزارع، باغ‌ها و مستغلات متعددی که در اصفهان و اطراف آن از جمله روستای کبوترآباد، زیار، قریدن و برخی مزارع اطراف بروجن و سمیرم، و نیز تیمچه و دکان‌هایی در بازار اصفهان که متعلق به این مدرسه است. برخی از علمای معروف آن زمان، حواشی وقف‌نامه مدرسه نوریه را ماهر کرده‌اند، که از جمله آنان، ملا محمد تقی مجلسی، ملا محمد صالح مازندرانی و آقا حسین خوانساری بوده‌اند.<sup>۲۱</sup>

۱۰. مدرسه نیم آورد (نیم‌آور): مدرسه نیم‌آورد از مدارس مشهور اصفهان و مربوط به اواخر عهد صفویه است که در محله‌ای به همین نام در یکی از فرعی‌های بازار بزرگ اصفهان واقع شده است. شاردن فرانسوی، که در عهد شاه سلیمان صفوی در اصفهان به سر می‌برده است، این محله را یکی از پرجمعیت‌ترین و معروف‌ترین محلات اصفهان دانسته است.<sup>۲۲</sup>

مدرسه نیم‌آورد به همت زینب بیگم، همسر حکیم‌الملک اردستانی، بانی مدرسه کاسه‌گران، احداث شده است. هزینه ساختمان و بنای این مدرسه بزرگ و زیبا را ناشی از بخشش‌های اورنگ‌زیب، پادشاه هند، به زینب بیگم و شوهرش حکیم‌الملک اردستانی می‌دانند. زمان بنای مدرسه نیم‌آورد در خود بنا ذکر نشده است، ولی بعضی آن را از بناهای دوره شاه سلیمان صفوی دانسته‌اند.<sup>۲۳</sup> لیکن مؤلف تاریخ اصفهان و ری، تأسیس آن را مربوط به دوران شاه سلطان حسین صفوی و به سال ۱۱۱۷ هـ.ق می‌داند.<sup>۲۴</sup> در هر حال مدرک تاریخ یادشده معلوم نیست؛ مؤلف آثار ملی اصفهان به نقل از یکی از متولیان پیشین این مدرسه، تاریخ وقف‌نامه مدرسه را در سال ۱۱۱۱ هـ.ق دانسته و نوشته است: «آقا جمال خوانساری مجری صیغه وقف و ناظر امور مدرسه بوده است.<sup>۲۵</sup>» تولیت این نهاد آموزشی در زمان تأسیس به عهده فردی به نام میرزا رشید بوده و زینب بیگم، بانی مدرسه، پس از اتمام بنای آن به میرزا رشید سفارش می‌دهد رقباتی را در اصفهان و اردستان جهت مدرسه خریداری نماید و آن را وقف بر مدرسه و طلاب آن نماید. در همان سال این املاک و مستغلات وقف بر مدرسه می‌شود که برخی از آنها در محلاتی از اردستان و چند مغازه نیز در بازار نیم‌آورد اصفهان بوده است.<sup>۲۶</sup>